



درس فراه فقہ استاد حاج سید مجتبیٰ نورمفیدی

تاریخ: ۴ مهر ۱۳۹۵

موضوع کلی: القول فیما یجب فیہ الخمس - الخامس: ما یفضل عن مؤونۃ السنۃ

مصادف با: ۲۳ ذی الحجہ ۱۴۳۷

موضوع جزئی: مسئلہ سیزدهم - تعلق خمس به رأس المال - بررسی نظر محقق خویی

جلسه: ۷

سال هفتم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

ادامه بررسی قول سوم (محقق خویی) (ده)

در بررسی اقوال پیرامون تعلق خمس به رأس المال، نظر محقق خوئی ذکر شد. عرض شد ایشان بین رأس المالی که معادل مؤونه سنه است به شرط آنکه مورد نیاز باشد و شخص سرمایه و مال دیگری نداشته باشد، و بین زائد بر آن مقدار یا آنجایی که سرمایه و مال دیگری برای مؤونه شخص وجود دارد تفصیل داده‌اند. طبق تفصیل محقق خویی در صورت اول خمس واجب نیست اما در صورت دوم خمس ثابت است.

دلیل قول سوم

دلیلی که ایشان برای این تفصیل ذکر کرده این است که ادله استثناء، مؤونه سنه را استثناء کرده‌اند نه مؤونه عمر تا زمانی که شخص در قید حیات است. اگر شخص از مالی که به عنوان سود و ربح کسب به دست آورده، مقداری را استفاده کند و مؤونه سال را با آن پوشش دهد، هیچ مشکلی وجود ندارد؛ مانند اینکه روزی یک دینار خرج او می‌باشد و این شخص درآمدی به اندازه سیصد و شصت دینار دارد و با این مقدار می‌تواند روزی یک دینار مخارج خودش را پوشش دهد؛ حال اگر این شخص بخواهد این مبلغ را به نحو دیگری صرف کند، مثلاً با آن یک وسیله نقلیه بخرد تا کسب و کار کند و روزی یک دینار هم درآمدی است که از محل این ماشین نصیب او می‌شود؛ این صورت هم در واقع صرف در مؤونه است به شرط اینکه معاش او متوقف بر خرید وسیله نقلیه باشد.

پس کسی که درآمدی به اندازه یک سالش دارد: ۱- گاهی درآمدش را در جایی [مثلاً در صندوق] می‌گذارد و هر ماه به مقدار نیاز برای هزینه‌های خود برمی‌دارد که این صورت قطعاً صرف در مؤونه است، منتهی صرف در مؤونه به نحوی است که مال همزمان با صرف، تلف می‌شود. ۲- گاهی هم با درآمدش وسیله‌ای می‌خرد که به آن نیازمند است و معادل مؤونه سنه او می‌باشد که این صورت هم صرف در مؤونه به حساب می‌آید. مؤونه و هزینه کردن فقط به این نیست که حتماً خود آن عین درآمد را مصرف کند و به مرور کم شود و از بین رود، بلکه اگر منفعت چیزی را هم صرف زندگی کند، این هم مؤونه است.

به عبارت دیگر آنچه که شخص به آن نیازمند است، جامع بین صرف العین و صرف المنافع است یعنی آن قدر مشترک صرف العین و صرف المنافع برای گذران زندگی او کافی است. به تعبیر دیگر اکنون که این دو راه در مقابل این شخص وجود دارد، مخیر است بین اینکه این پول را بردارد و مصرف کند، یا اینکه این پول را صرف خرید وسایل تولید و ابزار کسب درآمد کند؛ هیچ ترجیحی هم بین این دو راه وجود ندارد.

بنابراین اگر رأس المال به اندازه مؤونه سنه باشد و مال دیگری هم نباشد که با آن امرار معاش شود، چنین رأس المالی جزء مؤونه به حساب می‌آید و خمس ندارد، اما اگر رأس المال زائد بر این مقدار باشد، مثلاً بجای سیصد و شصت دینار، پانصد دینار باید هزینه کند تا یک ماشین بخرد و از درآمد آن برای زندگی استفاده کند، در اینجا با توجه به اینکه مؤونه او سیصد و شصت دینار است، به آن صد و چهل دینار باقیمانده، خمس تعلق می‌گیرد.

سوال:

استاد: در حقیقت برای آن سقف تعیین می‌کند و می‌گوید رأس المال تا این سقف متعلق خمس نیست و زائد بر آن متعلق خمس می‌باشد.

در عبارت ایشان دقت کنید: [«و التفصیل - و هو الصحیح - بین رأس مال یعادل مئونة سنته، و بین الزائد علیه، فلا خمس فی خصوص الأول. و الوجه فيه: استثناء المئونة ممّا فيه الخمس. و لا ینبغی التأمل فی أنّ المستثنی إنّما هو مئونة السنة لا مئونة عمره و ما دام حیاً. و علیه، فإذا اكتسب أو استفاد مقداراً یفی بمئونة سنته، كما لو كان مصرفه فی كلّ یوم دیناراً فحصل علی ثلاثمائة و ستین دیناراً و كان بحاجة إلى رأس المال فی إعاشته و إعاشة عائلته، جاز أن یتّخذ رأس مال من غیر تخمیس، نظراً إلى أنّ صرف المبلغ المذكور فی المئونة یمکن علی أحد وجهین: إمّا بأن یضعه فی صندوق و یسحب منه كلّ یوم دیناراً، أو بأن یشتری به سیارة مثلاً و یعیش باجرتها كلّ یوم دیناراً، إذ الصرف فی المئونة لم ینحصر فی صرف نفس العین و إتلاف المال بذاته، بل المحتاج إليه هو الجامع بین صرف العین و صرف المنافع، لتحقّق الإعاشة بكلّ من الأمرین، فهو مخیر بینهما، و لا موجب لتعیّن الأول بوجه. إذن لا بدّ من التفصیل بین ما إذا كان محتاجاً إلى رأس المال و لم یکن له رأس مال آخر بحيث توقّفت إعاشته الیومیة علی صرف هذا المال عیناً أو منفعةً فلا خمس فيه، و بین غیره ففیه الخمس، ضرورة عدم کون مطلق رأس المال بلغ ما بلغ كعشرة آلاف مثلاً من مئونة هذه السنة، و قد عرفت أنّ المستثنی هو مئونة السنة لا غیرها»^۱].

ایشان نوشته است: «أن صرف المبلغ المذكور فی المئونة یمکن علی أحد وجهین» صرف این مبلغ در مؤونه به دو طریق است؛ بعد دلیل آورده که: «إذ الصرف فی المئونة لم ینحصر فی صرف نفس العین و إتلاف المال بذاته، بل المحتاج إليه هو الجامع بین صرف العین و صرف المنافع»؛ مصرف مؤونه منحصر در مصرف عین مال و اتلاف آن نیست بلکه برای تأمین منافع هم می‌توان از آن مال استفاده کرد.

«كما لو كان مصرفه فی كلّ یوم دیناراً فحصل علی ثلاثمائة و ستین دیناراً» مصرف کسی روزانه یک دینار است و یک درآمدی به اندازه سیصد و شصت دینار برای او حاصل شده است، «و كان بحاجة إلى رأس المال فی إعاشته و إعاشة عائلته»؛ نیاز به سرمایه‌ای برای اداره خود و عائله خود دارد، «جاز أن یتّخذ رأس مال من غیر تخمیس» می‌تواند این را به عنوان رأس المال قرار دهد و مثلاً ماشینی بخرد تا محل درآمد او باشد، «نظراً إلى أنّ صرف المبلغ المذكور فی المئونة یمکن علی أحد وجهین»، چرا می‌تواند این پول را رأس المال قرار دهد بدون اینکه خمس آن را بپردازد؟ بخاطر اینکه صرف این مبلغ در مؤونه «یمکن علی أحد وجهین»، «إمّا بأن یضعه فی صندوق و یسحب منه كلّ یوم دیناراً، أو بأن

^۱. مستند العروة، کتاب الخمس، ج ۲۵، ص ۲۴۹.

یشتی به سیّارة مثلاً و یعیش باجرتها کلّ یوم دیناراً». یا اینکه آن را در صندوق گذاشته و هر روز از آن یک دینار بردارد یا اینکه با همان سیصد و شصت دینار ماشینی بخرد و با اجرت آن که هر روز یک دینار است زندگی کند، «إذ الصرف فی المؤنة لم ینحصر فی صرف نفس العین و إتلاف المال بذاته» معنای صرف در مؤونه این نیست که شما پول را گرفته و کم کم از بین رود، «بل المحتاج إلیه هو الجامع بین صرف العین و صرف المنافع» بلکه قدر مشترک بین اینها آن چیزی است که شخص به آن احتیاج دارد، «لتحقّق الإعاشة بكلّ من الأمرین» چون اعاشه به وسیله هر دو محقق می‌شود، «فهو مخیر بینهما، و لا موجب لتعیّن الأوّل بوجه» هیچ وجهی هم برای اینکه راه اول تعین داشته باشد وجود ندارد.

پس در واقع فرمایش محقق خوبی این است که همان پولی را که می‌خواهد نگه دارد تا هزینه‌های او را پوشش دهد، به شکل دیگری صرف مؤونه می‌کند که در هر دو صورت، صرف مؤونه شده است.

با توجه به بیاناتی که عرض شد دو اشکال به مرحوم آقای خوئی وارد است.

بررسی دلیل قول سوم

اشکال اول

اشکال اول این است که به چه دلیل ایشان قائل به تفصیل شده است؟ اگر کسی خانه‌ای بخرد، معلوم است قیمت خانه از مؤونه سنه بیشتر است. در مورد خانه به چه دلیل ایشان قائل به استثناء شده‌اند و خانه را از مستثنیات قرار داده‌اند هرچند زائد بر مؤونه باشد. محقق خوبی می‌فرمایند: کسی که خانه‌ای بخرد ولو هزار دینار هم قیمت آن باشد، این مبلغ جزء مؤونه او می‌باشد ولی کسی که پولش را خرج وسایل تولید می‌کند، فقط تا حدی که معادل مؤونه سنه او باشد خمس ندارد، اما خمس زائد بر آن مقدار را باید بپردازد.

سوال این است که چه فرقی بین خانه و ماشین است؟ همانگونه که مسکن از خمس استثناء شده است رأس المال هم در این مثال از خمس استثناء می‌شود، هرچند زائد بر مؤونه سنه باشد. پس فرمایش جناب محقق خوبی قابل قبول نیست، چون واقعاً فرقی از این جهت بین خانه و وسایل کسب و کار و تولید نیست.

اشکال دوم

اشکال دوم این است که بر فرض شما نسبت به معادل مقدار مؤونه سنه به دلیلی که گفتید، خمس را ثابت نمیدانید، یعنی معتقد هستید به اندازه‌ای که مؤونه سنه شخص می‌باشد، اگر سرمایه قرار دهد، یا ماشین با آن بخرد، خمس ندارد ولی به چه دلیل این را مقید کردید به عدم وجود سرمایه دیگر؟ این تقیید و اضافه کردن این قید و مشروط کردن این مسئله به عدم وجود مال و سرمایه دیگر به چه دلیل است؟

وقتی ما ادله ثبوت خمس را در مورد مؤونه بررسی می‌کنیم در این ادله هیچ شرطی ذکر نشده است. «الخمس بعد المؤونه» دلالت می‌کند بر اینکه خمس بعد از مؤونه ثابت است، یعنی مؤونه‌ها استثناء می‌شود و در هیچکدام از این ادله این شرط نیامده است که سقوط خمس از مؤونه مشروط به عدم وجود مال دیگر است.

آنچه که به عنوان اشکال به مرحوم آقای خوئی می‌توان گفت این است که این دو مطلب باهم قابل جمع نیست؛ از یک طرف معادل مؤونه سنه را از رأس المال استثناء کنیم و از طرف دیگر بگوییم مال دیگری برای شخص وجود نداشته باشد که امکان صرف در مؤونه باشد. سخن ما این است که این تقیید و اشتراط از کجا آمده و به چه دلیل قید عدم وجود مال

دیگر را بیان می‌کنید؟ چون مسئله عدم وجود مال دیگر تأثیری در صدق مؤونه ندارد. یا بر وسائل تولید و کسب و کار مؤونه صادق است یا نیست. مسئله بودن یا نبودن مال دیگر که مؤونه او را پوشش دهد تأثیری در صدق مؤونه یا عدم صدق مؤونه بر این مورد ندارد.

بحث این است که درآمدی که از محل کسب برای شخص حاصل شده را اگر در کاری سرمایه گذاری کند که درآمد آن را در زندگی مصرف کند، آیا مؤونه بر آن صادق است یا نه؟ حال این که مال دیگری باشد یا نباشد. تأثیری در این جهت ندارد.

بحث جلسه آینده: بررسی قول شیخ انصاری و شهید صدر.

«الحمد لله رب العالمین»